

عنوان پادکست: راحاب و ریسمان قرمز رهایی

راحاب و ریسمان قرمز رهایی (بخش ۱)

نازی: در برنامه امروز خواهیم دید که خدا اجازه داد تا شهر اریحا و ساکنین آن هلاک شوند. اما او، زنی فاحشه و بدکاره را برگزید تا او را از هلاکت حتمی نجات دهد.

سابرینا: این داستان طوری نبود که خدا از آن بالا نگاه کند و به خود بگوید: "در این بین، زنی هست که زن خوب و مقدسی است. فکر کنم قبل از اینکه بقیه شهر را به خاطر شرارت‌شان هلاک کنم، بهتر باشد که او را به خاطر تقدس و نیکویی‌اش نجات دهم." نه، این طور نبود.

خدا خواست که بذریه ایمان و هدیه نجات و فیض و رحمت خودش را در قلب زنی بدکاره که همه زندگی‌اش شکست، شرم و تقصیر بود بکارد ... زنی که از اسم و منصب خوبی برخوردار نبود و در ترازوی اخلاقی و اجتماعی هیچ وزنی نداشت، ولی خدا این چنین زنی را انتخاب کرد تا از هلاکت رهایی دهد.

نازی: دوستان عزیز، با برنامه‌ای دیگر از پادکست «دل‌هایمان احیا کن» با صدای سابرینا اصلان در خدمت شما شنوندگان گرامی هستیم.

اگر شما خود را شخصی شکست خورده، درمانده، و ورشکسته می‌بینید، امیدوار باشید چون از امروز به بررسی زندگی زنی خواهیم پرداخت که از یک زن درمانده و ورشکسته تبدیل به یک قهرمان ایمان شد.

از شما دعوت می‌کنیم که در سری برنامه‌های **راحاب و ریسمان قرمز رهایی** با ما همراه شوید.

سابرینا: در هر شرکت تجاری، وزارت‌خانه، بیمارستان و بالاخره هر بنیاد دیگری کارمندان مختلفی مشغول به کار هستند. در هر یک از این نهادها، در قسمت اداری بخش مهمی به نام اداره کارگزینی وجود دارد که همانطور که از اسمش پیداست، مسئول استخدام افرادی است که برای سمت‌های مختلف، به آنها نیاز دارند. مسئولین اداره کارگزینی با در نظر گرفتن مدارک تحصیلی متقاضیان و تجربیات شغلی آنها در مورد آنها تحقیق می‌کنند و با انجام مصاحبه با آنها و درخواست توصیه‌نامه از شغل قبلی سعی می‌کنند که بهترین، مجرب‌ترین، و مناسب‌ترین فرد را برای آن شغل مورد نظر پیدا کنند. به همین ترتیب، کارگردان و مسئولین هر نمایشنامه یا فیلم سینمایی

هم برای انتخاب مناسب‌ترین هنرپیشه برای نقش‌های مورد نیاز خود باید از پروسه‌های مختلف عبور کنند. آنها در طی این پروسه‌ها همه تلاش خودشان را می‌کنند تا در نهایت، بهترین هنرپیشه‌ای را که بیش از همه مناسب ایفای نقش مربوطه است را پیدا کنند.

کتاب مقدس، کلام خدا، هم در واقع داستان یا نمایشنامه‌ای است از نجات و رهایی‌ای که خدا برای انسان‌ها فراهم می‌کند. در این نمایشنامه نقش‌های مختلفی وجود دارد که خدا از افراد مختلف برای ایفای این نقش‌ها استفاده می‌کند. او افراد مختلفی را به کار می‌گیرد تا در نهایت نقشه نجات بخش و رهایی خود را در این دنیا به پیش برد. اما جالب این است که در انتخاب این افراد خدا از استانداردها و معیارهایی که به نظر ما منطقی و صحیح هستند، استفاده نمی‌کند. او در پروسه کارگزینی خود اتفاقاً افرادی را انتخاب می‌کند که اصلاً توجه ما را به خودشان جلب نمی‌کنند. افرادی که در نظر ما نه فقط واجد شرایط نیستند، بلکه اضافه بر آن دارای خصوصیات منفی هم هستند. بله، خدا معمولاً افرادی را برای کار و پیشبرد نقشه‌های خودش مورد استفاده قرار می‌دهد که اگر ما مسئول انتخاب و استخدام آنها بودیم، حتماً آنها را به علت شرایط منفی‌شان از لیست خودمان حذف می‌کردیم و اصلاً واجد شرایط نمی‌شمردیم. ما می‌بینیم که در عهد عتیق، سموئیل نبی‌ای بود که توسط خدا فرستاده شد تا پادشاهی را برای قوم اسرائیل منصوب کرده و مسح نماید. سموئیل یک نبی بود. او شخص خدا ترسی بود. او در فکر خود استانداردها و معیارهای خاصی داشت که بر اساس آنها می‌خواست کاندیداهای مناسب و واجد شرایطی انتخاب کند. اما کارگردان اصلی‌ای که مسئول انتخاب هنرپیشه‌هاست خداست. او معیارها و ضوابط خاص خودش را برای انتخاب این افراد و نقش‌های آنها دارد که با معیارهای ما خیلی متفاوت هستند. خدا در اول سموئیل ۷: ۱۶ می‌گوید: «به سیما و قامت بلندش منگر، زیرا او را رد کرده‌ام. خداوند همچون انسان نمی‌نگرد. انسان به ظاهر می‌نگرد ولی خدا به دل.»

در این سری برنامه‌ها، ما به مطالعه زندگی زنی در عهد عتیق خواهیم پرداخت که نقش بسیار مهمی را در نمایشنامه نجات و رهایی انسان‌ها ایفا می‌کند. او زنی است که اگر ما در بخش کارگزینی و انتخاب هنرپیشه قرار بود او را برای نمایش خدا استخدام کنیم، قطعاً او را رد می‌کردیم و او را زنی کاملاً نامناسب برای ایفای این نقش می‌شمردیم. ولی خدا او را انتخاب کرد. بله، اگر خدا او را در زمره منتخبین خودش قرار نمی‌داد، او یک شخص از دست رفته بی اسم و منصب، بی نام و نشان، و گمشده باقی می‌ماند.

در طول چند برنامه آینده، ما داستان زندگی او را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در این بررسی، ابتدا به زندگی او در عهد عتیق نگاهی خواهیم کرد و بعد بخش‌هایی از عهد جدید که در آنها از او اسم برده شده است را نیز مورد مطالعه قرار خواهیم داد. این زن شخصیتی است مربوط به عهد عتیق ولی در سه بخش از عهد جدید هم از او یاد شده است. هر سه این قسمت‌ها، در عهد جدید متن‌های معروف و مهمی به شمار می‌روند که در آنها از این زن یاد شده است. در این مطالعه خواهیم دید که خدا چگونه این زن را به صورتی عجیب، در داستان خود به کار برد.

از شما دعوت می‌کنم که کتاب مقدس‌های خود را به همراه خود داشته باشید. ابتدا به کتاب یوشع در عهد عتیق فصل دوم مراجعه خواهیم کرد.

در این بخش ابتدا به زمینه قبلی‌ای که این داستان دارد خواهیم پرداخت.

فرزندان قوم اسرائیل ۴۰۰ سال را در بردگی در مملکت مصر گذرانده بودند. پس از ۴۰۰ سال بردگی فرعون، خدا آنها را نجات می‌دهد و آزادشان می‌کند. پس از خروج از مصر، خدا با دست معجزه‌گر و مظفرانه خود دریای سرخ را که مانعی بر سر راه آنها بود قدرتمندانه برای آنها باز کرد و آنها را از دست فرعون رهایی بخشید. ولی آنها به علت بی‌ایمانی و بی‌اعتمادی به خدا ۴۰ سال را در بیابان در سرگردانی سپری کردند. خدا در نظر داشت آنها را به سرزمینی که از قبل وعده آن را به آنها داده بود برساند. حالا پس از ۴۰ سال بالاخره آنها آماده شده‌اند تا به سرزمین موعود وارد شوند.

در این زمان یوشع، جانشین موسی، رهبر قوم اسرائیل است. قوم اسرائیل در چند کیلومتری شرق رود اردن اردو زده‌اند. این در حالی است که سرزمین موعود در غرب رود اردن قرار گرفته است. بنابراین، چه چیزی بین قوم اسرائیل و سرزمین موعود قرار گرفته بود؟ بله، رود اردن! آنها در منطقه‌ای به نام شطیم اردو زده‌اند. یوشع به طور سری و محرمانه دو نفر را به سرزمین موعود می‌فرستد تا آن را بررسی و تجسس کنند و از چگونگی آن گزارش بیاورند. بنابراین، ما در یوشع فصل دوم آیه ۱ می‌خوانیم:

«آنگاه یوشع، پسر نون، در نهان دو جاسوس از شطیم فرستاد و گفت "بروید و آن سرزمین، بخصوص اریحا را ببینید." پس آنان رفتند و به خانه زنی روسپی به نام راحاب درآمدند و در آنجا خوابیدند.» این دو مرد می‌بایستی از رود اردن می‌گذشتند. آنها باید با پای پیاده و زحمت فراوان از رود اردن عبور می‌کردند و خود را به شهر اریحا می‌رسانیدند. این شهر در ۵ مایلی یا حدود ۸ کیلومتری غرب رود اردن واقع شده بود.

اریحا شهر مهمی به شمار می‌رفت. چون این شهر بر سر راه ورود به فلسطین قرار داشت. به محض عبور از اریحا، می‌شد که به شمال و جنوب فلسطین دست یافت. در واقع، قوم اسرائیل از اریحا می‌توانستند به شهرهای دیگر کنعان دسترسی پیدا کنند و آنها را به تصرف خودشان درآورند. و این بدان معنا بود که بر همه کنعان تفوق حاصل کنند و آن را به مالکیت خودشان درآورند. پس برای به دست آوردن همه کنعان بایستی از اریحا عبور می‌کردند. این دو مرد، هر طور شده، از رود اردن عبور می‌کنند و وارد اریحا می‌شوند. در بدو ورود به سرزمین کنعان، اولین شخص کنعانی‌ای که در اریحا کلام خدا او را معرفی می‌کند زنی است به نام راحاب. خداوند در حاکمیت مطلق خود، راه آنها را به طرف یک خانه مشخص با زنی مشخص باز می‌کند ... زنی که اسم او راحاب بود.

اما باید ببینیم که کلام خدا چه اطلاعاتی در باره زندگی راحاب به ما ارائه می‌دهد. راحاب، چگونه زنی بود؟

اول از همه، بیایید به زمینه فرهنگی او نگاهی بیندازیم. او در شهر اریحا که یکی از مهمترین شهرهای کنعان بود زندگی می‌کرد. او در واقع زنی کنعانی بود. در کلام خدا نام دیگری هم برای کنعانیان استفاده شده است که اموریان است. ما در کلام خدا بارها با این دو اصطلاح کنعانیان و اموریان، که هر دو یک هستند، بر می‌خوریم. این افراد مردمی بودند که در آن زمان در منطقه فلسطین سکنی می‌گزیدند.

کنعانیان و اموریان مردمی شریر و پُر از خشونت بودند که در طول قرن‌ها فرهنگی بُت پرستانه را دنبال می‌کردند. قدمت کنعانیان حداقل به زمان ابراهیم برمی‌گردد. دایره‌المعارف کتاب مقدس کنعانیان را قومی معرفی می‌کند که همه باورها و رفتارهایشان در نظر خدا مکروه بود. اموریان و کنعانیان که راحاب هم جزوی از آنها بود، از هر آنچه که خدا یعنی یهوه دوست داشت متنفر بودند و در عین حال، آنها به هر آنچه که در نظر خدا مکروه و منزجر کننده بود عشق می‌ورزیدند.

در طول عهد عتیق، مکرراً به فساد اخلاقی و شرارت کنعانیان و اموریان اشاره شده است. در واقع بعدها، هر وقت که خدا می‌خواست به نوعی درباره شرارت قوم خود صحبت کند، ظاهراً هیچ نمونه‌ای بهتر از کنعانیان پیدا نمی‌کرد تا عمق شرارت را برای اسرائیلیان به تصویر بکشد. و بنابراین، از شرارت اموریان یاد می‌کرد. به طور نمونه، خدا در حزقیال فصل ۱۶ به اسرائیلیان می‌گوید:

«اصل و ولادت تو از سرزمین کنعان است. پدرت اموری و مادرت حتی بود.» (آیه ۳) در واقع، خدا می‌خواست به عبارتی بگوید که ای قوم من، تو دُرست مثل کنعانیان، این اقوام بت پرست، رفتار می‌کنی. انگار که آنها پدر و مادر تو بوده‌اند. تو کارهای آنها را انجام می‌دهی و اعمال کریه آنها را به جا می‌آوری. خدا در آیه ۱۵ به فرزندان اسرائیل می‌گوید: «تو بر زیبایی خود توکل کردی، و به سبب آوازهات، فاحشگی نمودی و فحشای خود را بر هر رهگذری که خواهان آن بود فرو ریختی.» در واقع، این روش زندگی کنعانیان بود. و راحاب از این زمینه فرهنگی می‌آمد.

خدا به ابراهیم و نسل او صدها سال قبل وعده داده بود که روزی او کنعان را به تصرف قوم خود در خواهد آورد. خدا به ابراهیم گفت: «هر که این کارها را می‌کند، خداوند از او کراهت دارد.» این اشاره به کارهایی است که کنعانیان انجام می‌دادند. و بعد ادامه می‌دهد که «به سبب همین اعمال قبیح است که یهوه خدایتان این اقوام را از برابر شما بیرون می‌راند.» (تثنیه ۱۸: ۱۲) خدا در واقع به ابراهیم گفته بود که روزی کنعانیان را از این سرزمین بیرون خواهد راند. چرا که شرارت و قباحات اعمال آنها مورد داوری قرار خواهد گرفت و سپس زمین آنها را به فرزندان قوم اسرائیل خواهد داد. خدا صدها سال قبل از زمان راحاب گفته بود که کنعانیان مورد داوری او قرار خواهند گرفت و سرزمین آنها به نسل ابراهیم بخشیده خواهد شد.

اگر به پیدایش فصل ۱۵ برگردیم، می‌بینیم که اولین بار خدا به ابراهیم گفت: «یقین بدان، که نسل تو در سرزمینی که از آن ایشان نیست، غریب خواهند بود و در آنجا ایشان را بندگی خواهند کرد و آنها ۴۰۰ سال بر ایشان ستم خواهند کرد.» (آیه ۱۳) که این آیه دقیقاً مربوط به زمان بردگی در مصر است که ۴۰۰ سال طول کشید. و بعد در

آیه ۱۶ ادامه می‌دهد: «و سپس در پشت چهارم، یعنی تقریباً پس از ۴۰۰ سال، به اینجا باز خواهند گشت زیرا تقصیرات اموریان به کمال نرسیده است.» اما این به چه معنا بود؟ این به این معنی بود که خدا به کنعانیان خیلی فرصت داده بود. خدا چند قرن (شامل ۴۰۰ سال) به کنعانیان فرصت داد. و از این حرف‌ها می‌فهمیم که او صبر می‌کند و صبر می‌کند. و خدایی است که واقعاً نمی‌خواهد کسی هلاک گردد. او واقعاً خدایی است که نمی‌خواهد کسی هلاک گردد. خدا واقعاً می‌خواست که به کنعانیان یا اموریان فرصت توبه ببخشد تا از راههای شرارت آلود خود توبه کنند تا هلاک نگردند. اما اموریان یا کنعانیان هیچگاه توبه نکردند. حالا دیگر ظرف غضب الاهی پر شده بود و وقت داوری فرا رسیده بود.

داوری مهلک اموریان در کتاب یوشع به وقوع پیوست. این زمانی بود که یوشع و فرزندان اسرائیلیان به سرزمین کنعان قدم گذاشتند. آنها بر حسب فرمان خداوند، کنعانیان را نابود کردند و زمین آنها را متصرف شدند. کنعانیان و اموریان اعمال و سبک زندگی کراهت‌آوری داشتند و راحاب هم محصول چنین فرهنگی بود.

حالا، پس از بررسی زمینه فرهنگی راحاب، به بررسی زمینه مذهبی او می‌پردازیم. راحاب هم مثل سایر کنعانیان و اموریان بت‌پرست بود.

کنعانیان خدایان زیادی را می‌پرستیدند. به هر طرف که چشم می‌توانست ببیند، زیارتگاهها و معبدها و بت‌های خدایان کنعانیان سرزمین آنها را فرا گرفته بود. روابط جنسی، فاحشگی و قربانی کردن کودکان جزئی از مراسم مذهبی آنها به شمار می‌رفت. شاید ما اصلاً نمی‌توانیم تصورش را هم بکنیم اما اینها واقعاً جزئی از مذهب آنها به شمار می‌رفت. و این زمینه مذهبی‌ای بود که راحاب در آن رشد کرده بود. راحاب چیز دیگری نمی‌دانست. او کلام خدا را در اختیار نداشت. او هیچ موعظه‌ای در باره یهوه نشنیده بود. با ایمانداران به یهوه در ارتباط نبود. او در یک محیط روحانی کاملاً تاریک و به دور از خدا بزرگ شده بود.

حالا ببینیم که راحاب از چه زمینه اخلاقی‌ای می‌آمد؟ برخی بر این عقیده هستند که او از طریق فاحشگی و زندگی هرزه خود امرار معاش می‌کرد. ما از این موضوع مطمئن نیستیم ولی چیزی که از لحن کلام خدا بر می‌آید این است که انجام گناهان جنسی جزئی از زندگی او بود. در واقع، سبک زندگی او بود. او احتمالاً زنی بود برده شهوت و خواسته‌های نفس خود. او در واقع شاید اعتیاد جنسی داشت.

از طرف دیگر، راحاب ممکن است مورد آزار و سوء استفاده‌های جنسی زیادی قرار گرفته باشد که حالا زندگی او تبدیل به یک روسپی شده بود. ما نمی‌دانیم که خانواده او چطور افرادی بودند و چگونه او را تربیت کرده‌اند. ولی این را می‌دانیم که او خانواده‌ای شامل مادر، پدر، برادران، و خواهران داشت. اما به هر حال به خاطر وجود این سبک زندگی، احتمالاً او زنی است که زخم‌ها و آزارهای زیادی از گذشته را با خود حمل می‌کند. ما از هیچ کدام از آنها خبر نداریم ولی آنچه را که درباره او می‌دانیم این است که او درگیر سبک زندگی‌ای است که ارتباط مستقیم با گناهان جنسی دارد.

برخی از مفسرین کتاب مقدس قبول ندارند که راحاب واقعاً یک فاحشه بود. به نظر آنها این غیر ممکن بود که یک فاحشه بتواند یکی از نیاکان مسیح باشد چون اسم او در شجره‌نامه مسیح آورده شده است. اما موضوع حقیقی این است که در عهد جدید دو بار به عبارت «راحاب فاحشه» بر می‌خوریم. و کاملاً واضح است که این کلمه در زبان یونانی به معنی واقعی فاحشه است. این لغت هم ریشه با واژه یونانی «پورن» است که کلمه پورنوگرافی از آن اخذ شده است.

راحاب زنی بود که در شهر اریحا مسافرخانه‌ای داشت. اما به هر حال، به فاحشگی هم شهرت داشت. به نظر می‌رسد که او فقط محصول بی‌گناه فرهنگ فاسد کنعان نبود که شاید قربانی طرز تربیت محیط و خانواده‌اش بوده باشد. او در گناهان کریه کنعان حضوری فعال داشت و در سبک زندگی کراهت‌آور فرهنگی که در آن بزرگ شده بود شریک بود.

حالا با جمع بندی همه اینها، به نظر می‌رسد که این زن برای دریافت بخشش و لطف خدا کاملاً غیر واجد شرایط باشد. شاید به نظر ما او اصلاً کاندیدای مناسبی برای توجه الاهی و فیض خدا نیست. آیا با این موضوع موافقت؟ اریحا با تمام سوابق بد اخلاقی، مذهبی و فرهنگی که داشت، شاید آخرین جایی بود که شایستگی می‌داشت خدا به کسی از ساکنینش رحم کند.

فصل دوم کتاب یوشع کاملاً به داستان زندگی راحاب تخصیص داده شده است. این داستان طوری نبود که خدا از آن بالا نگاه کند و به خود بگوید: "در این بین، زنی هست که زن خوب و مقدسی است. فکر کنم قبل از اینکه بقیه شهر را به خاطر شرارت‌شان هلاک کنم، بهتر باشد که او را به خاطر تقدس و نیکویی‌اش نجات دهم." نه، این طور نبود. خدا خواست که بذریع ایمان و هدیه نجات و فیض و رحمت خودش را در قلب زنی بدکاره که همه زندگی‌اش شکست، شرم و تقصیر بود بکارد ... زنی که از اسم و منصب خوبی برخوردار نبود و در ترازوی اخلاقی و اجتماعی هیچ وزنی نداشت. ولی خدا این چنین زنی را انتخاب کرد تا از هلاکت رهایی دهد.

از لحاظ معیارهای انسانی، راحاب آخرین کسی بود که ممکن بود تبدیل به ایمان‌دار حقیقی خدا شود. هیچکدام از ما انتظار نمی‌داشتیم که در این چنین زنی ایمان صاف و خالص و حقیقی پیدا شود.

داستان اریحا داستانی است که شاید اغلب ما آن را شنیده‌ایم. داستانی درباره فرو ریختن دیوارها. دیوارهایی که با فرو ریختن‌شان همه کس و همه چیز نابود شد. داستان اریحا، داستان داوری هولناک الاهی بود. داستان وحشتناک و ترسناک از داوری‌ای که همه مستحق آن بودند. داستانی که هشدار دهنده افراد و فرهنگ‌هایی است که بر ضد خدای حقیقی می‌ایستند. اما از طرف دیگر، داستان اریحا فقط هم داستان داوری الاهی نیست بلکه ظاهراً خیلی بیشتر از اینهاست.

داستان اریحا، داستان امید، داستان فیض، داستان رحمت خدا، و بالاخره داستان نجات، رهایی و آزادی است.

خداوند به این زن و خانواده‌اش فیض و ایمان بخشید و آنها را از هلاکت و نابودی نجات داد. چقدر عالی است که ما هنوز در زمانی زندگی می‌کنیم که فرصتِ چشیدنِ طعمِ این آزادی و نجات را داریم. چون یک روز خدا داوری و غضب خودش را بر این دنیایی که در شرارت و فساد خوابیده است خواهد ریخت.

خدای حقیقی، خدایی است که به دنبال گناهکاران گمشده می‌گردد. خدایی که می‌گوید: "من قدرت دارم که زندگی شکست خوردگان، گناهکاران، طرد شدگان، گمشدگان، و شکسته دلان را بازیافت و باز خرید کنم و به آنها زندگی جدید ببخشم. و به این ترتیب، داستانِ داوریِ من و شما هم می‌تواند تبدیل به داستانِ امید و رحم و نجات خدا شود. داستانِ زندگی شما یا داستانِ داوری است یا داستانِ نجات و رهایی.

نازی: چقدر عجیب است که خدا از طریق زندگی یک فاحشه به من و تو، ای عزیز شنونده، یادآوری می‌کند که چقدر ما نیازمند، مسکین، و محتاج هستیم! و در عین حال، چقدر قدرتِ رهایی‌دهنده و تبدیل‌بخشِ او بزرگ و عظیم است! از امروز سری جدیدی از برنامه‌های راحاب و ریسمان قرمز رهایی را شروع می‌کنیم. این سری برنامه‌ها، برنامه‌های تعلیمی پر قدرتی است که نشان می‌دهد خدا چطور افراد گناهکار، شکست خورده، مطرود، رد شده، و مورد تنفر واقع شده را انتخاب می‌کند و نجات می‌بخشد.

این سری برنامه‌ها زندگی بسیاری از زنان امروز را ترسیم می‌کند. خانمی تعریف می‌کرد که چقدر انتخاب‌های اشتباه و احمقانه‌اش، زندگی‌اش را به تباهی کشانده بود. اما در این وقت مسیح دست خود را به سوی او دراز کرد. این زن توسط یکی از دوستانش با مسیح آشنا می‌شود و به او ایمان می‌آورد. او می‌نویسد که "امروز از بندهای عمیق شرم و تقصیر گناهان گذشته‌ام آزاد شده‌ام. مسیح زندگی‌ام را تبدیلی زیر و رو کننده بخشید." بله، مسیح حاضر است که زندگی من و شما را تبدیلی زیر و رو کننده ببخشد.

در جلسه آینده، در حالی که به بررسی زندگی راحاب خواهیم پرداخت، خواهیم دید که خدا چگونه هنوز در عمق وضعیتِ گناه‌آلود و فاسد قادر است عمل کند و نجات بخشد. از شما دعوت می‌کنیم که با ما در برنامه آینده **دل‌هایمان احیا کن** همراه شوید.

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرامی ارائه می‌شود، تعالیم نانسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه «دل‌هایمان احیا کن» و «راستی» می‌باشد.